

می‌دانند فروش دارد و با پول آن می‌توانند به کار دیگری بپردازند.
 ۴. در گذشته چندین مرکز دولتی و نیمه دولتی این بخش از پژوهشگران را زیر چتر حمایت قرار داده و کارهایشان را چاپ می‌کرد، همچون: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، مرکز مدارک علمی، دانشگاه تهران، کتابخانه ملی، مرکز خدمات کتابداری، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، فرهنگستان ایران، انجمن کتاب، مؤسسه فرهنگی منطقه ای، انجمن آثار ملی، بنیاد فرهنگ ایران و غیره، اما اکنون به غیر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسات وابسته بدان و مرکز اسناد و مدارک علمی که سعی می‌کنند بیشتر کارهای تدوینی خودشان را چاپ کنند، فعلاً مؤسسه ای کارآمد نیست که کلیه فعالیتهای مرجع نگاری پراکنده را زیر پوشش خود داشته باشد و با گذاشتن امکانات مادی و معنوی، دشواریهای تدوین کتابهای مرجع را از سر راه بردارد، مرکزی که بتواند دانه های درشت و پراکنده تحقیق را به یک تسبیح زند.

۵. با توجه به موارد گفته شده، کارهایی که تاکنون به عنوان کتابشناسی بیرون آمده، (چه دولتی و چه خصوصی) هر کدام تا اندازه ای و بنا به دلایل زیر ناقص است:

الف. بیشتر کارها خودجوش و تنها از روی علاقه انجام گرفته است. ب. از موازین علمی و استاندارد بدور بوده است. پ. گروهی نبوده و در هر صورت بوسیله یک نفر انجام گرفته است، حتی کار پرزحمت و درخور تقدیر خاناباا مشار «فهرست کتابهای چاپی فارسی» در پنج جلد که بنا بر مشخصات آن، کتابهای تا سال ۱۳۵۳ را در بردارد. هم چنین است فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی (تاکنون با چند نام چاپ شده است) که از سوی سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی چاپ می‌شود، با اینکه دوازده سال است هفته نامه ندای یزد چاپ می‌شود، گویا حضرات نمایه ساز هر از چندگاهی آن را می‌بینند. و بر این سان است دیگر نشریات شهرستانها.

امید می‌رود در این برهه از زمان که بیش از پیش ضرورت و اهمیت کارهای علمی و سامان یافته و پرهیز از دوباره کاریها و اتلاف وقت در صدر برنامه های پژوهشی قرار گرفته است، مسئولان مراکز ذیربط، تسهیلاتی برای راه اندازی مراکزی همچون خانه کتاب برای حمایت از پژوهشگران و محققان کارهای مرجع و پایه فراهم کنند.

دشواریهای

مرجع نگاری در ایران

حسین مسرت

درباره اهمیت کتابهای مرجع بویژه کتابشناسیها سخن بسیار گفته شده که شاید رساترین و پرمایه ترین آن را بتوان گفتار «اهمیت کتابشناسی» (کتابداری، دفتر چهارم (۱۳۵۳): ۳۹-۳۵) نوشته دکتر محسن صبا دانست، مقدمه هر کدام از کتابشناسیها و کتابهای مرجع شناسی و روش تحقیق بخشی در اهمیت کتابشناسی دارند. (در این باره رجوع شود: «کتابشناسی نخستین گام اطلاع رسانی» آینه پژوهش، س ۵، ش ۶۵ و ۶ (بهمن و اسفند ۱۳۷۳): ۱۴-۴). در گفتار جامع صبا، نقل قولی گویا از ساموئل جانسن در زمینه کتابشناسی درج شده که چنین است: «دانش بر دو قسم است: یا موضوعی را می‌دانیم و یا می‌دانیم در کجا می‌توانیم اطلاعاتی درباره آن بیابیم، وقتی ما راجع به هر موضوعی می‌خواهیم تحقیق کنیم، نخستین کاری که باید انجام دهیم، آن است که بدانیم چه کتابهایی در آن موضوع بحث می‌کنند.»

اما کار مرجع نگاری و تدوین کتابشناسی در ایران با دشواریهای چندگانه ای روبروست که هم پژوهندگان و هم ناشرین چندان تمایلی به روی آوردن به آن را ندارند. در زیر اهم این دشواریها برشمرده می‌شود:

۱. با توجه به پایین بودن درصد محققان در ایران و به طور مضاعف کسانی که علاقه به کارهای مرجع نویسی دارند، و جا نرفتادن اهمیت کتابهای مرجع تیراز این گونه کتابها همیشه کم است، (بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ جلد) از اینرو کتابخانه ها و مراکز پژوهشی در ایران و بویژه در شهرستانها با کمبود این سلسله کتابها روبرو هستند.
۲. چه پیش و چه پس از انقلاب اسلامی و در شرایط گوناگون کاغذ، اعم از زمانی که ارزان بود و اکنون که در گرانترین بهای خود است، ناشرین با توجه به فروش نرفتن و یا کم فروش بودن کتابهای مرجع، کمتر سراغ این گونه کتابها رفته و سرمایه گذاری می‌کنند.
۳. مرجع نویسی کاری است وقت گیر، پرحوصله و در عین حال بی درآمد، بدین دلیل به غیر از اندکی که عشق فراوانی بدین کار دارند، اکثریت پژوهندگان و نویسندگان دنبال کارهایی می‌روند که حداقل